

روی نقشه، عملیات چندان پیچیده نبود



مرور واقعه پنجم اردیبهشت ماه

عملیات نجات

نیروی دلتا صبح روز دوشنبه ۱ اردیبهشت ۵۹، پس از یک پرواز طولانی در وادی فنا، در ۴۰۰ کیلومتری قاهره فرود آمدند و در پایگاهی مترو که مستقر شدند، بکویت و گروه مهاجمان، سه روز وقت داشتند تا همه چیز را برای آخرین بار هماهنگ و آماده کنند. قرار بود عملیات ساعت چهار و سی دقیقه بعد از ظهر پنجشنبه ۴ اردیبهشت آغاز شود.

■ صبح پنجشنبه، ۶ هواپیمای سی ۱۳۰، قنار را به مقصد مصریه عمان ترک کردند. از روی دریای سرخ گذشتند، عربستان را دور زدند، خلیج عدن و سواحل یمن جنوبی را پشت سر گذاشتند و ساعت چهارده در مصریه فرود آمدند. همه چیز از قبل آماده شده بود؛ نوشابه، آب، یخ و چادرهایی برای یک استراحت کوتاه.

■ ساعت چهار و نیم بود. همه کنار هواپیماها بودند. لباس مأموریت تنشان بود که روی شانسه راستش پرچم آمریکا دوخته شده بود. روی پرچم را با نواری پارچه‌ای پوشانده بودند. قرار بود وقتی به سفارت رسیدند نوارها را بردارند. کسی در جهزده بود.

۶ بعد از ظهر اولین هواپیما از روی باند بلند شد.

■ بیشتر رادارها از قبل مهار شده بودند، اما باز هم احتیاط کردند. بار تفاع زیاد از خلیج فارس رد شدند. به ساحل ایران که رسیدند، ارتفاعشان را تا چهار صد متری زمین پایین آوردند و از غرب چاهار وارد ایران شدند. نصف

راه را آمده بودند که خبر دادند هلی کوپترها هم بلند شده‌اند.

۲ ساعت بعد اولین هواپیما به صحرای یک رسید. محل فرود بار دینی از چراغ‌های کوچک مشخص بود. دوری زد و روی زمین رملی صحرا که به اندازه کافی سفت بود فرود آمد. ساعت از ۱۱ شب گذشته بود.

■ شب مهتابی بود و همه چیز را می‌شد تا چهل، پنجاه متر دور تر دید. در پشتی هواپیما باز بود. فاصله‌اش با جاده پنجاه، شصت متری بیشتر نبود. رنجرها داشتند هواپیما را خالی می‌کردند. گروه حفاظت از جاده، زودتر پیاده شده بود. دور و بر جاده بودند. ناگهان نور چراغ‌های یک اتوبوس از دور پیدا شد. بکویت داد زد نگهش دارند و خودش و یکی دیگر از نیروها شلیک کردند. اتوبوس ایستاد. مسافرها را که چهل و پنج نفر بودند، پیاده کردند.

همه را خوب تفتیش کردند و بردند جنوب جاده روی زمین نشانند. یکی از افسرهای ایرانی حالی‌شان کرد تک‌تک نخورند و سر و صدای راه نیاندازند. باید می‌فرستاد نشان مصریه. همین لحظه ماشین دیگری از سمت شرق به آنها

نزدیک شد. یک کامیون حامل سوخت بود. یکی از رنجرها نشانه گرفت و با سلاح ضدتانکش، ماشین را زد. راننده‌اش پایین پرید و باوانتی که همان لحظه از راه رسیده بود، فرار کرد.

کمی بعد هواپیماها یکی یکی رسیدند. دو تاشان وسایل و نیروها را آورده بودند و سه تای دیگر سوخت هلی کوپترها را. تانکر همچنان می سوخت و دشت را روشن کرده بود.

■ از هلی کوپترهای هفتم و هشتم خبری نبود. بکویت به طرف یکی از خلیان هسارفت. راه افتاده بود توی بیابان و بسا خودش حرف می‌زد. خلیان اعتنایی نکرد. غرولند می‌کرد. از طوفانی می‌گفت که ۹۰ دقیقه معطلشان کرده بود. طوفان شنی که تمام عمر مثلش رانیده بود. دو تا از خلیان‌های دیگر هم همین‌ها را می‌گفتند. به افق نگاه کرد. هنوز از هلی کوپترهای هفتم و هشتم خبری نبود.

■ سوخت گیری پنج تا از هلی کوپترها تمام شد. خلیان‌های دانستند پیش از تاریکی به محل اختفانمی‌رسند. بکویت به افسرها اشاره کرد. رنجرها راه افتادند طرف هلی کوپترها. بکویت رفت طرف هلی کوپتری که ۳۰ متر آن طرف تر مشغول سوار کردن یکی از واحدها بود. کمک خلیانش داشت طرفش می‌آمد. به هم رسیدند. دهانش را کنار گوش‌های او گرفت و با فریاد چیزی گفت. بکویت به طرف یکی از افسرها دوید.

یکی دیگر از هلی کوپترها از کار افتاده بود. ادامه کار با پنج هلی کوپتر ممکن نبود.

■ دو و پنجگاه دقیقه بامداد پنجم اردیبهشت بود. یکی از هلی کوپترها هنوز سوخت می‌گرفت. افراد داشتند سوار هواپیماها می‌شدند. ملخ‌های هلی کوپترها و موتورهای هر کولس زوزه می‌کشیدند. همه چیز در حاله‌ای از غبار فرو رفته بود. بکویت به عقب برگشت و به نمایی که داشت اجرا می‌شد، نگاه کرد؛ هلی کوپتر کنار هواپیما سوخت رسان بلند شد، به چپ خم شد، به عقب رفت و در انفجاری مهیب محو شد.

■ هواروشن شده بود. روی خلیج فارس بودند. کسی چیزی نمی‌گفت. عملیاتی که پنج ماه و نیم برایش عرق ریخته بودند، مثل دود به هوارفته بود. همه چیز را جا گذاشته بودند؛ مسافران اتوبوس، جنازها، هلی کوپترها و نقشه‌های عملیات.

خوراندنی‌های عملیات

شکست دلتا

■ صبح روز عملیات، جیمی کارتر میزبان یک میهمان ویژه است؛ «شیمون پرز» رهبر اپوزیسیون رژیم صهیونیستی و فرمانده عملیات فرودگاه «عننتیه». به دستور او نیروهای تکاوری یگان ویژه «سایرت متکل» برای آزادسازی گروگان‌ها، با پوشش مخفیانه به داخل خاک اوگاندا رفتند و در طی عملیاتی چریکی بیش از صد گروگان اسرائیلی هواپیمای ایرفرانس ربوده شده را آزاد کرده و به منطقه اشغالی بازگرداندند.

■ روز سوم اردیبهشت، دو روز پیش از حمله، فرمانده نیروی هوایی وقت (تیمسار باقری) به برخی از پایگاه‌های مهم دستور داده بود تا پدافند ضد هوایی خود را از کار بیاورند. از جمله این مراکز فرودگاه‌های مشهد، شیراز و قم بودند.

رادار بالیسر نیز از یک هفته قبل از کار افتاده و به درخواست‌های تعمیر آن توجهی نشده بود. این رادار چون در قسمت شمالی ایران قرار داشت، می‌توانست بخش‌های وسیعی از ایران را پوشش دهد.

■ دو هواپیمای بسیار پیشرفته آواکس که در عملیات استفاده شدند، احتمالاً بر فراز خلیج فارس و مرز ایران و ترکیه در پرواز بودند. آنها علاوه بر کنترل حرکات ایران، ارتباط مخابراتی میان حوزه پنتاگون در سیزده هزار کیلومتری منطقه عملیات را با ستاد فرماندهی و واحدهای درگیر عملیات فراهم می‌کردند. سرلشگر جیمز وات فرماندهی مشترک و بکویت فرمانده زمینی عملیات مستقیماً با آواکس‌ها و آنها نیز مستقیماً با اتاق سری پنتاگون در تماس بودند.

■ از کسانانی که نقش ویژه‌ای را در طراحی عملیات نجات گروگان‌ها به او نسبت می‌دهند، «مایلز کاپلند» است. فردی که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق نیز به عنوان مشاور کرمیت روزولت همکاری داشت. کاپلند در قسمتی از یک سند که ۱۰ روز پیش از عملیات در مجله انگلیسی زبان «NOW» منتشر شد، نوشته است: «هجوم به سفارت می‌باید مکمل عملیات نظامی وسیع تری علیه ایران باشد که البته به نظر سرهنگ مید (همکار او) باید ۲۴ ساعت بعد به اجرا درآید.» جالب این که آن زمان این مجله در روزنامه فروشی تهران، از جمله دکه مقابل سفارت به فروش می‌رفته است.

بخشی از عملیات

۱ آغاز عملیات

هشت فرود هلی کوپتر از روی مینتند که بلند شدند که دو فرودشان در همان ابتدا برگشتند

ادسپرت و گروه پروازشان
جی‌اس‌کاف و گروه پروازشان
رادتی دیوس و گروه پروازشان

۲ یک اتفاق

از شن هلی کوپتر باقیمانده یک فرود دیگر هم مجبور شد برگردد

سپرت و مک کوپتر نشندند
دیوس و گروه پروازشان برگشتند

۳ لغو عملیات

با فرود هلی کوپتر هادر صحرای اول و سوخت گیری، فر مانده اعلام کرد همه باید برگردند

۴ آغاز بازگشت

اولین فرود از هواپیماهای ترابری از صحرا بلند شد و به سمت دریای عمان پرواز کرد

۵ حادثه

اولین هلی کوپتر موقع برخاستن کنترلش را از دست داد و به هواپیما سوخت رسان خورد. آتش همه صحرا را فرا گرفت. آمریکایی‌ها دو تا از هلی کوپترها را جا گذاشتند و سوار هواپیما ترابری شدند و برگشتند

۱۲۰ها برینند
اتوبوس
هلی کوپتر سوخت رسان بر خورده کرد